

جایگاه الگوهای رفتاری روستاییان در شیوه‌های نوسازی کالبدی روستا^۱

بتول شمس الدین

دانشجوی دوره‌ی دکترای معماری، گروه معماری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزاده شاهچراغی^۲

دانشیار گروه معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حمید ماجدی

استاد گروه شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۰۷

چکیده

«الگوهای رفتاری» از جمله عوامل تاثیرگذار بر کیفیت نوسازی روستایی است. سازماندهی الگوهای رفتاری در پروسه‌ی نوسازی می‌تواند، سبب حیات یا مرگ تدریجی روستاها شود. در واقع حفظ ارتباط کالبد با الگوهای رفتار بومی بر مفاهیم خلوت، فضای شخصی، ازدحام و قلمرو تاثیر می‌گذارد و این مفاهیم برخاسته از فرهنگ بومی هر روستا می‌باشند. نوسازی بدون توجه به الگوی رفتار بومی سبب تغییر چهره‌ی روستا و در دراز مدت تغییر هویت روستا خواهد شد. تحقیق حاضر با هدف روشنگری نقش الگوهای رفتاری در نوسازی روستایی، با روش تحلیل محتوای کیفی و به مقایسه تطبیقی الگوهای رفتاری در مسکن نوسازی شده و مسکن بومی روستاهای استان کرمان پرداخته است. نمونه‌های مورد مطالعه با توجه به تفکیک و تقسیم روستاهای استان کرمان و به صورت نظری و هدفمند انتخاب شده‌اند. در سطح تدابیر از پرسش‌نامه‌های کیفی، مصاحبه، ثبت مشاهدات استفاده شده است و با استفاده از روش استدلال منطقی تحلیل یافته‌ها انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد الگوهای رفتاری نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد نوسازی هویتمند دارند و بی‌توجهی به این الگوها، موجب حذف یا تغییر بسیاری از کارکردها و در نهایت شیوه زندگی روستائینان شده است. در کل مطالعات انجام شده در این تحقیق تلاش روستائینان را، در جهت حفظ رفتارهای بومی در خانه‌هایی نوسازی شده با وجود تغییرات کالبدی نشان می‌دهد و بر لزوم توجه مضاعف به الگوهای رفتار بومی ساکنان در جهت حفظ هویت هر روستا تأکید می‌نماید.

واژگان کلیدی: الگوهای رفتاری، نوسازی، روستا، هویت، استان کرمان

۱- این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتری بتول شمس الدین با عنوان "تبیین مدل نوسازی معماری روستا مبتنی بر الگوی رفتار بومی و حفظ هویت (مقایسه تطبیقی روستاهای استان کرمان)" در دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، در حال انجام است.

۲- (نویسنده مسئول) a.shahcheraghi@srbiau.ac.ir

مقدمه

یکی از چالش‌های مهم در کشور وجود ۶۳۸۹۸ روستاست که نوسازی و مقاوم‌سازی این روستاها در برابر سوانح طبیعی و انسانی باید به گونه‌ای باشد که سبب ترک روستاها و انقطاع پیوندهای اجتماعی نشود. روستاها محدوده‌ای نزدیک به ۶۰٪ از وسعت سرزمینی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. جمعیت ساکن در محدوده‌های روستایی کشور حدود ۲۳ میلیون نفر است. طی سال‌های اخیر تامین محیط و مسکن مناسب برای روستائیان همواره مورد توجه بوده و از حدود دو دهه قبل، طرح ملی ساخت سالانه ۲۰۰۰۰۰ واحد مسکونی روستایی در حال اجرا بوده است (سرتیپی پور، ۱۳۹۲: ۲۵). فعالیت‌های مربوط به نوسازی روستاها امکان مداخله بنیادی در روستا را فراهم می‌نماید، این مداخله سبب حذف الگوهای رفتاری شود که امکان بازگشت دوباره‌ی آن‌ها به روستا نخواهد بود، از این جهت حذف این الگوها در برخی از روستاها، ضربه‌ی سنگینی را به کالبد و هویت روستا وارد می‌نماید.

ظرافت‌های رفتار انسان موضوع جالبی است که به طراحی جهت و انگیزه می‌دهد. مجموعه‌ای از اعتقادات، ارزش‌ها و آداب و رسوم است که هنجارهای رفتاری را برای یک جامعه مشخص می‌کند. (Abdul Rahima, Hariza Hashimb, 2011:148)

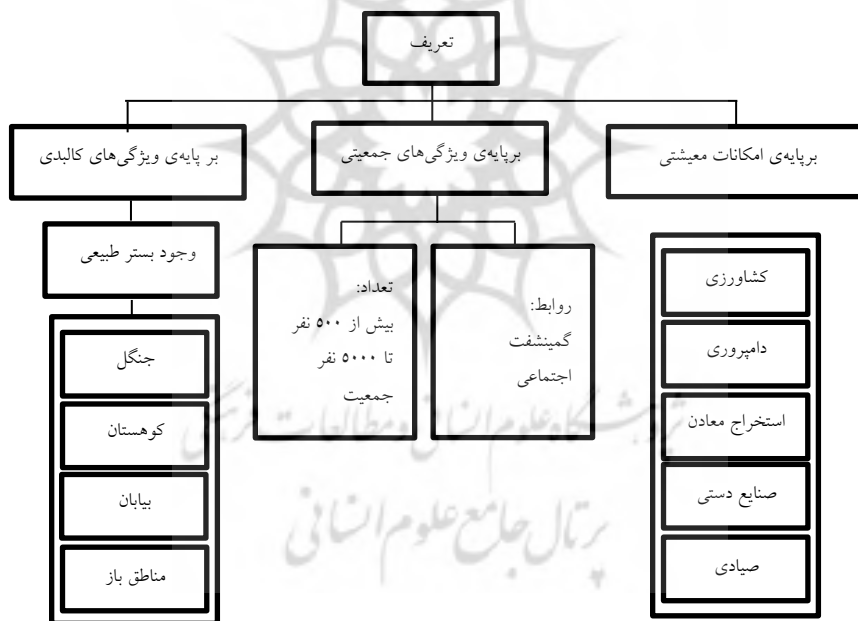
پیچیدگی‌های رفتاری و عواملی که توضیحات احتمالی را آشکار می‌سازد، کلید طراحی کاربردی بر پایه‌ی فرهنگ است. توجه به فرهنگ در واقع توجه به ابعاد غیر کالبدی هویت است. رفتار در هر زمینه دارای سیستم و الگو است. شناسایی و تحلیل و به کارگیری الگوهای رفتاری می‌توانند در نوسازی روستایی خانه‌هایی را شکل دهد، که کارا تر عمل نمایند. مطالعات رفتار فردی و گروهی در روستا سبب می‌شود که نوسازی هدفمندتر و پاسخگوتر باشد. دقت به ظرافت‌های رفتاری به عنوان عاملی در جهت حفظ هویت روستاها امری ضروری می‌باشد. در این تحقیق پرسش اصلی این است که توجه به الگوهای رفتاری تا چه حد اهمیت دارد؟ الگوهای رفتاری چه نقشی دارند؟ و آیا این الگوها می‌توانند باعث پیوند ادراکی و اجتماعی روستائیان شوند؟ برای پیدا کردن پاسخ این پرسش ابتدا مفاهیم کلیدی از جمله مفهوم روستا، فرسودگی، نوسازی و شیوه‌های آن و رفتارهای اجتماعی شامل خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام تشریح می‌گردد و سپس با توجه به نقش این مفاهیم رابطه‌ی نوسازی کالبدی و هویت در تعدادی از روستاهای استان کرمان بررسی می‌شود. به این منظور در این تحقیق از روش‌های کیفی، کمی، مطالعات میدانی، مشاهدات میدانی و تحلیل محتوی کیفی استفاده شده است.

۱- روستا و انواع آن

کشورهای مختلف در حوزه‌های علوم مختلف تعاریف متفاوتی از «روستا» دارند که این موضوع، تعریف دقیق روستا را مشکل می‌کند اما تعاریف عمدتاً براساس معیارهایی همچون "نوع معیشت"، "ویژگی‌های کالبدی" و "ساختار جمعیتی" قابل تعریف است، لذا می‌توان هر یک از این عوامل را به عنوان فاکتورهای تعریف کننده روستا در نظر گرفت. برای تعریف جامع از روستا این عوامل بایستی همگی حضور داشته باشند. روستا از لحاظ زیستی (وضع طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) همگون بوده، اکثریت ساکنان واقعی آن- به طور مستقیم و غیر مستقیم- به یکی از فعالیت‌های زارعی، دامداری، باغداری و به طور اعم، به صنایع دستی و صید یا ترکیبی از این فعالیت‌ها اشتغال داشته باشند (آسایش، فلاح تبار، ۱۳۹۲: ۲۹). با استناد به اکثر سرشماری‌های معمول و رسمی نفوس

و مسکن مرکز آمار ایران، رقم ۵ هزار نفر جمعیت در هر مکان برای تفکیک روستا از شهر استفاده می‌گردد. در توصیف آن به نقل از یکی از جامعه‌شناسان روستائی ایران آمده است که آبادی بیش از ۵۰۰ نفر تا ۵۰۰۰ نفر جمعیت «ده یا روستا» و در مقابل، آبادی‌های کمتر از ۵۰۰ نفر «دهک» نامیده می‌شوند.

از دید جامعه‌شناسی روستا می‌تواند بر مبنای مناسبات، ارتباطات، ساخت و ترکیب جمعیت و طبقات اجتماعی، خانواده‌ها و گروه‌های شغلی، اعتقادی و ارزش‌های اجتماعی توصیف گردد. در دایره المعارف بریتانیکا در تشریح ویژگی‌های جامعه روستایی چنین آمده است: ساکنان روستایی با مردمی کارمی‌کنند که آنها را بخوبی می‌شناسند و به روابط صمیمی و مقیاس کوچک خو گرفته‌اند (Britannica, v.10, 1970) "ویژگی‌های جامعه روستایی را می‌توان همگام با چیزی دانست که فردیناند تونیس؛ روان‌شناس آلمانی؛ از آن تحت عنوان گمیشفت^۲ نام می‌برد. وی در خصوص جامعه گمیشفت چنین بیان می‌دارد؛ گمیشفت اجتماعی است که در آن افراد به سمت جامعه بزرگتری حرکت می‌کنند که برخواست‌ها و علائق شخصی آنها متقدم است. به علاوه، افراد در گمیشفت قوانین‌شان را بر اساس آداب عمومی یا باورهای عمومی در خصوص رفتار مناسب و احساس مسئولیت اعضا یا اجتماع نسبت به یکدیگر، نسبت به اجتماع و در نهایت بر اساس "خواست‌ها واحد" تنظیم می‌کنند" (Tönnies, 2001).



نمودار ۱- تعریف جامع روستا

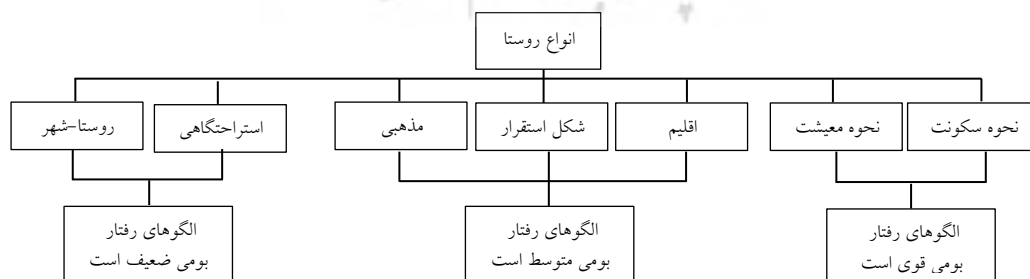
منبع: یافته‌های پژوهش

برای درک و مطالعه‌ی الگوهای رفتاری روستاییان تجزیه و تحلیل انواع روستا ضروری است. روستا را می‌توان از منظرهای مختلفی همچون نحوه سکونت، نحوه معیشت، تاریخ، خدمات گردشگری و بوم‌گردی، چگونگی اقلیم، ماهیت استراحتگاهی روستا وجود بنا و اعتقادات مذهبی، شکل استقرار و نیز چگونگی ترکیب آن با شهر تحت عنوان پدیده‌ی روستا-شهر تقسیم نمود.

جدول ۱- انواع روستا

انواع روستا	
نحوه تقسیم‌بندی روستا	انواع تقسیم‌بندی روستا
۱	دائم
نحوه سکونت	موقت
	غیر مسکونی
	کشاورزی
نحوه معیشت	دلمداری
	صنعتی
	استخراجی (معدنی)
	صیادی
	صنایع دستی و هنری
	تولید محصولات گیاهی و محلی
۳	ویژگی تاریخی
۴	حیات طبیعی
	صنایع دستی
	محصولات طبیعی
	آثار تاریخی
۵	گرم و مرطوب
	دی ماه
	گرم
	گرم و خشک
	معتدل
	سرد
۶	معتدل و مرطوب
	تیرماه
	گرم و نیمه مرطوب
	گرم و خشک
۷	سرد و کوهستانی
	معتدل
۸	سرد
	سرد
۶	ویژگی استراحتگاهی
۷	اقامت در فصول متفاوت، ویلاسازی
	وجود اماکن و بناهای متبرک
۸	امکان و آداب مذهبی ویژه
	وجود آیین مذهبی
۸	شکل استقرار
	متمرکز
	پراکنده
۹	بیابانی
	روبارویی
	روستا-شهر ^۴
	روی‌آوری

پس از تقسیم‌بندی ۹ گانه انواع روستا روشن می‌شود که در این دسته‌بندی روستاهایی هستند که سریع‌تر از بقیه الگوهای رفتار بومی خود را تغییر می‌دهند.

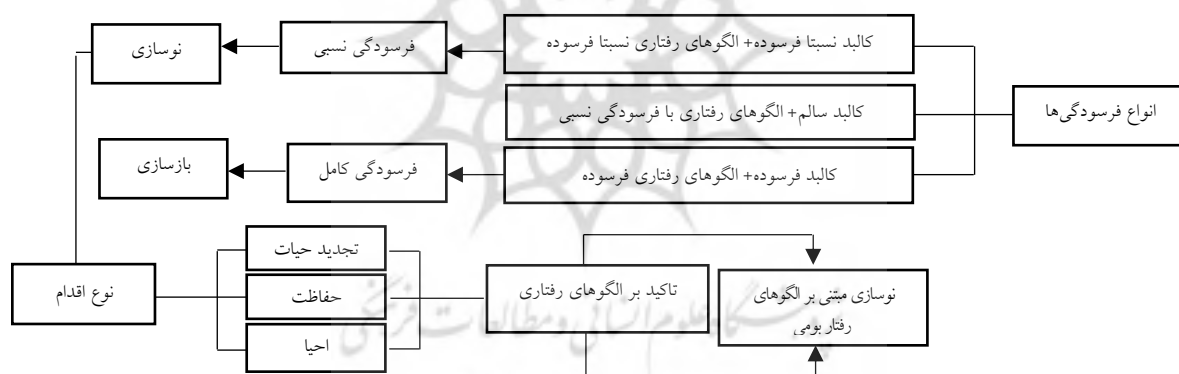


نمودار ۲- انواع روستا و میزان اهمیت الگوهای رفتاری در آنها منبع: یافته‌های پژوهش

۲- فرسودگی^۵

فرسودگی روستاها یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باعث بی‌قوارگی روستا، عدم تناسب ظاهر روستا با بستر خود و تغییر الگوهای رفتاری روستائیان می‌شود. فرسودگی عاملی است که به زدودن الگوهای رفتار بومی، افول هویت

روستا و شکل گرفتن الگوهای رفتاری بیگانه کمک می‌کند. عوامل مرتبط با کالبد می‌تواند الگوهای رفتاری را کم رنگ یا به طور کامل نابود کند. در واقع همان‌گونه که کالبد می‌تواند دچار فرسودگی شود الگوهای رفتاری نیز می‌توانند فرسوده شوند. منظور از فرسودگی الگوهای رفتاری، فاصله گرفتن فرد از الگوهای رفتار بومی برخاسته از فرهنگ خود و عدم همپوشانی صحیح کالبد و مفاهیم الگوهای رفتاری بومی است. گاهی فرسودگی کالبد بنا، فرد را مجبور به تغییر یکسری از الگوهای رفتاری می‌کند و گاهی فرد به دلیل عدم درک درست از فرهنگ بومی خود و اصول و ارزشهای منبعث از آن، الگوهای رفتاری خود را تغییر می‌دهد. در واقع، رواج الگوهای رفتاری بیگانه و وارداتی بر الگوهای رفتاری فرد روستا نشین تاثیر می‌گذارد. در این تحقیق با در نظر گرفتن فرسودگی در کالبد و الگوهای رفتاری می‌توانیم به دو مفهوم فرسودگی نسبی و فرسودگی کامل در روستا برسیم. فرسودگی نسبی در دو حالت رخ می‌دهد (الف) کالبد سالم و الگوهای رفتاری فرسودگی نسبی دارند (ب) کالبد فرسوده و الگوهای رفتاری نسبتاً فرسوده می‌باشند. در حالت (الف) نوسازی می‌تواند به عنوان راه‌حلی جهت بهتر کردن اوضاع و بازگشت هویت کارساز باشد و در حالت (ب) بایستی این انگیزه را در فرد تقویت نمود که فرد هویت خویش را در هویت محیط جستجو کند یا به عبارت دیگر هویت محیط را هویت خویش بپندارد و الگوهای رفتاری را بخشی از هویت خود بداند. اما در حالتی که فرسودگی کامل رخ دهد بازسازی جای نوسازی را خواهد گرفت منظور از فرسودگی کامل کالبد فرسوده و الگوهای رفتاری فرسوده می‌باشد.



نمودار ۳- انواع فرسودگی و ارتباط آن با نوسازی منبع: یافته‌های پژوهش

نوسازی می‌تواند با تاکید بر فرهنگ و متناسب با هویت روستا به احیای دوباره کالبد و الگوهای رفتاری بیانجامد. اگر بتوان روستا را با حفظ اصالت الگوهای رفتاری از فرسودگی برهانیم، می‌توان معادله را به شکل اصلی خود یعنی، نوسازی با حفظ هویت، نزدیک‌تر ساخت.

۳- نوسازی^۱ و انواع آن

نوسازی زمانی انجام می‌شود که فضای شهری، مجموعه و یا بنا از کارکردی مناسب و معاصر برخوردار بوده ولی فرسودگی نسبی کالبدی- فضایی سبب کاهش بازدهی و کارایی آن شده‌است. نوسازی مجموعه اقداماتی را شامل میشود که در عین حفاظت بنا، مجموعه و یا فضای شهری کهن، سازمان فضایی مربوط را معاصر سازی نموده و امکان بازدهی بهینه آن را فراهم آورد (حبیبی، مقصودی، ۱۳۹۵، ۲۰)

جدول ۲- رابطه‌ی انواع نوسازی با الگوهای رفتاری

انواع نوسازی	هدف	تاثیر	رابطه‌ی انواع نوسازی با الگوهای رفتاری	حفظ	مراقبت	با	تابودی
انواع نوسازی	هدف	تاثیر	رابطه‌ی انواع نوسازی با الگوهای رفتاری	الگوی رفتاری بومی	احتیاط الگوهای رفتاری بومی	الگوی رفتاری بومی	الگوی رفتاری بومی
۱ تجدید حیات ^۲	بازگرداندن زندگی مجدد به بنا	حذف یا اضافه نمودن بخش‌هایی از سازمان کالبدی	حفظ معماری بومی و بخش‌هایی از بنا که دارای فعالیت بومی می‌باشند می‌تواند به حفظ الگوهای رفتاری بومی بیانجامد.	•			
۲ انطباق ^۳	به روز کردن بنا	ایجاد شرایط مناسب میان کالبد فرسوده با نیازهای امروزی	در این حالت ممکن است برخی از رفتارها حذف شوند.	•			
۳ تبدیل و ۹	تغییر شکل و تغییر ماهیت	تغییر و تبدیل بنا برای معاصر سازی	تغییر بنا به طور واضح تغییر الگوهای رفتاری را به دنبال دارد.	•			
۴ حفاظت ^{۱۱}	حفاظت و نگهداری بنا به شکل طبیعی و اولیه خود	حفظ بنا به گونه‌ای که امروزه نیز بتواند به حیاط خود ادامه بدهد	حفاظت از بنا و بیان ارزشمندی ماهیت بنا برای مالکان و ساکنان حفظ الگوهای رفتاری بومی را در پی خواهد داشت.	•			
۵ نوشدن ^{۱۱}	با ارزش کردن مجدد یک بنا	مداخله‌هایی برای شکل دادن و نو کردن بنا	اگر نو شدن با حفظ کالبد بومی صورت گیرد، حفاظت از الگوهای رفتاری بومی را در پی خواهد داشت، اگر نوشدن با ورود تکنولوژی و تغییر کاربری باشد از میان رفتن برخی از الگوهای رفتاری را در پی خواهد داشت.	•			
۶ احیا ^{۱۱}	یگانگی بخشیدن به همه‌ی بخش‌های از میان رفته بنا	از نو ایجاد کردن کلیت خدشه دار شده بنا، در بحث احیا باز گرداندن حالت ذاتی و اصلی بنا هدف اصلی است.	احیا بر مبنای احترام به کیفیت قدیمی بنا و مستندات اصلی آن استوار است، در واقع ارزش معماری بومی و رفتاری بومی در احیا حفظ می‌شود.	•			
۷ تعمیر ^{۱۳}	مداخله برای افزایش عمر بنا	ایجاد وضعیت مناسب در کالبد و فضای فرسوده بنا	تعمیر اگر در قالب تأثیرپذیری الگوهای غیر بومی و تکنولوژی‌های بر هم زنده الگوهای رفتاری نباشد، می‌تواند به حفظ الگوهای رفتاری کمک کند.	•			

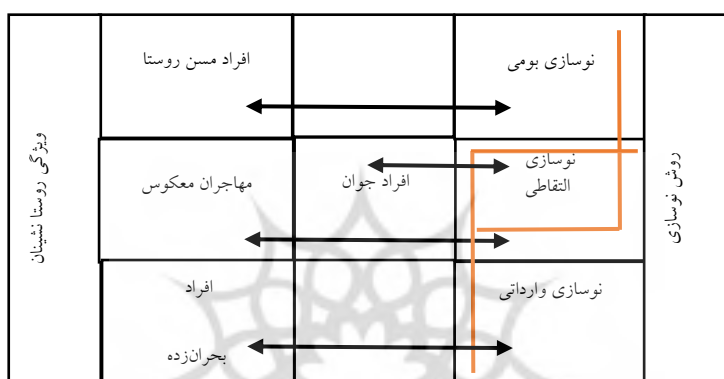
منبع: یافته‌های پژوهش

نوسازی را می‌توان به دو نوع نوسازی کالبدی و غیر کالبدی نیز تقسیم نمود، بدین معنا که اگر منظور از نوسازی، نو کردن کالبد باشد، نوسازی کالبدی مدنظر است ولی اگر منظور از نوسازی، باز گرداندن زندگی اجتماعی و الگوهای رفتاری جامعه، حفظ هویت و تداوم سنت‌ها، حفظ فرهنگ و ارزش‌های رفتاری باشد، نوسازی غیر کالبدی می‌باشد. نوسازی کالبدی و غیر کالبدی چنان در هم تنیده‌اند که تحولات مربوط به هریک می‌تواند دیگری را کاملاً متحول سازد.

۳-۱- آسیب شناسی^{۱۴} روستاهای نوسازی شده

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نوسازی با سه ظاهر در روستا رخ می‌نماید که هر یک مخاطب خاص خود را دارند: نوسازی بومی، نوسازی التقاطی، نوسازی وارداتی. در حالت اول، افراد مسن و پیر روستا خانه‌ی خود را که گنجینه‌ای از خاطرات چندین نسل هستند، دوست دارند و انتظارشان از نوسازی تنها تعمیر فرسودگی است و نوسازی بومی را ترجیح می‌دهند. در حالت دوم، دسته‌ی دیگر که اغلب افراد جوان روستا می‌باشند به دنبال کسب الگوهای شهری در مسکن خود می‌باشند و دنبال تعمیر نیستند بلکه از نو ساختن را دوست دارند و انتخاب آنها یک نوسازی التقاطی و گاها وارداتی می‌باشد. حالت سوم هنگام بحران است که تنها تامین یک سرپناه هدف نوسازی روستایی می‌شود، در این شرایط کمبود زمان سبب می‌شود که یک نوسازی وارداتی عهده‌دار نوسازی روستایی شود. در تبیین مدل نوسازی روستایی دو عامل اهمیت دارد: «گذشته تعاملی»^{۱۵} و «پتانسیل تعاملی»^{۱۶} با محیط گذشته. «گذشته تعاملی» شامل تجربه‌های گذشته است که در روستا اتفاق می‌افتد؛ مانند خاطرات. «پتانسیل تعاملی» نیز به انتظارات آینده تصور شده یا پیش‌بینی شده در مکان باز می‌گردد، که در این دو عامل بایستی الگوهای رفتاری

گذشته به دقت بررسی و در انتظارات آینده جای داده شوند. فرایند یکسان‌سازی طرح‌های معماری و همانندسازی در نوسازی بدون توجه به هویت روستا باعث می‌شود که روستا هیچ تمایز کالبدی با سایر روستاها نداشته‌باشد و بسیاری از الگوها به فراموشی سپرده شوند. طرح خانه‌های پیشنهادی از طرف مشاورین بدون در نظر داشتن سلیقه و فرهنگ بومی در اکثر موارد مطابق با خواست روستاییان نبوده و نیست و الگوهای رفتاری در تعامل همسایگی متکی بر روابط عاطفی و فعالیت‌های اجتماعی مشترک در این طرح‌ها دیده نمی‌شود. شناخت واقعی نیازها توسط خود ساکنین که معیارهای مطرح شده نیز در راستای آن تعریف شده‌اند، از اهمیت بسیاری برخوردارند. در واقع با شناخت همه جانبه و صحیح معیارهاست که روستاییان می‌توانند به اولویت‌بندی واقعی آنان و تصمیم‌گیری صحیح دست یابند (راهب، علی الحسابی، ۱۳۸۸: ۲۰۴).



نمودار ۴-انواع ظاهر نوسازی در روستا (منبع: نویسندگان)

نوسازی بایستی در جهت تداوم زندگی روستایی در همه‌ی ابعاد (در وجوه کالبدی و غیر کالبدی) باشد نه انقطاع آن.

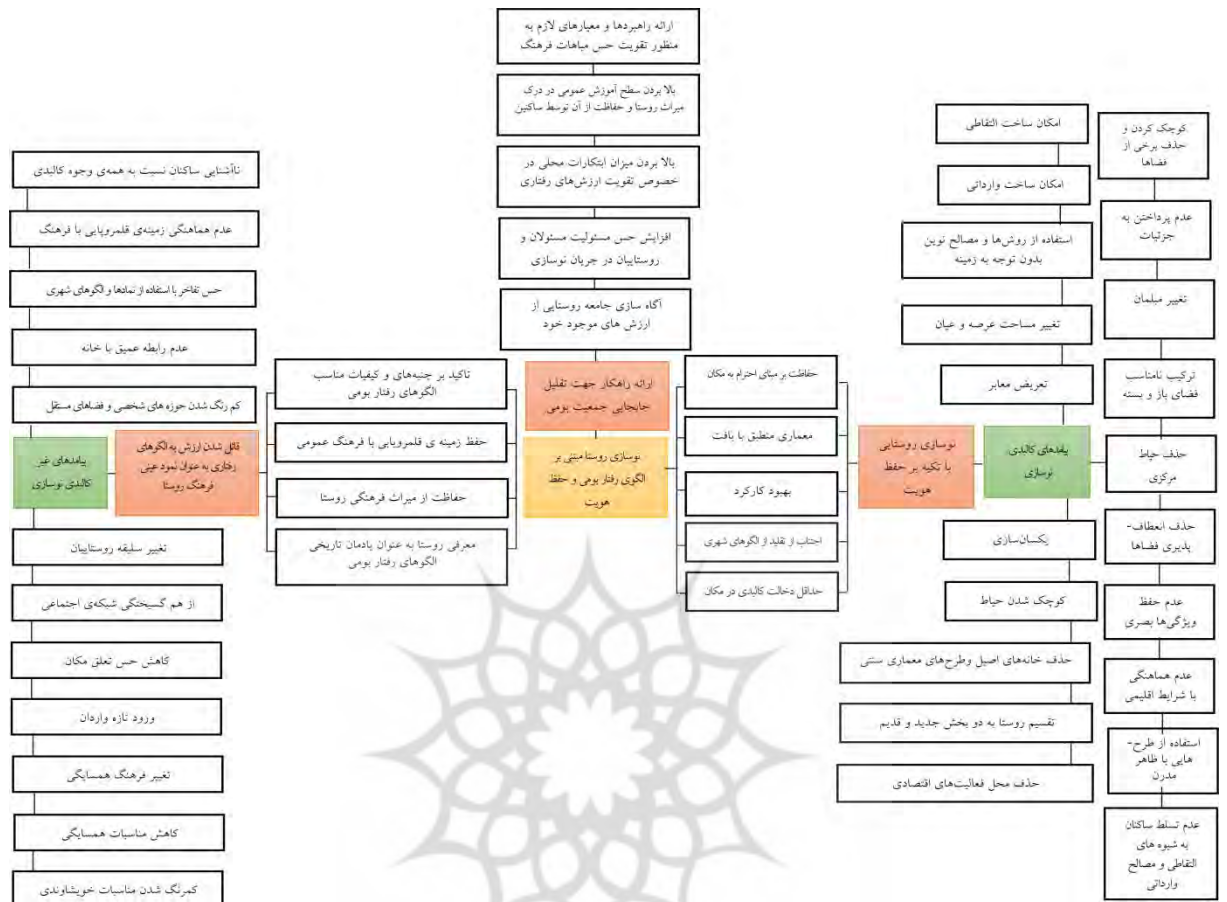
4-رفتار^{۱۷}: روش انجام یک فعالیت را رفتار گویند. رفتار راه شخصی فرد برای انجام فعلیتی است. رفتار هر فرد نشان‌دهنده‌ی نوع نگرش، فکر، سبک و ادراک وی می‌باشد. (lang, 1987,97) (Barker, راجر, 1968) ایروین آلتمن (۱۹۷۵) نحوه استفاده افراد از محیط را بر حسب مفاهیم خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام بررسی کرد (Altman, 1975).

در این مطالعات ابتدا تعریف و تشریح مفاهیم فوق پرداخته و سپس برقراری پیوند میان این مفاهیم و محیط روستا بررسی می‌شود و در پایان بسط مفاهیم رفتار بومی در نوسازی تشریح می‌گردد.

۴-۱-خلوت^{۱۸}: مفهوم خلوت مفهومی مبهم و چند پهلو است. (Margulis, 1977) با یک مفهوم نمی‌توان آن را تعریف و تعیین کرد، زیرا چنین مفهومی بازنمایی ایده‌های یک جامعه‌ی خاص در یک زمان معین است. (Westin, 1970; Fischer, 1971; Kelvin 1973; Mellors, 1978)

خلوت فرآیند کنترل تنظیم مرز میان افراد است و چگونگی تعامل فرد با دیگران را مشخص می‌کند. خلوت فرآیندی دوسویه (درون، بیرون) است یعنی فرد یا گروه خلوت خود را با توجه به رابطه‌ی ای که می‌خواهند با دیگران برقرار می‌کنند یا دیگران می‌خواهند با او برقرار کنند تنظیم می‌کند. سازکارهای فرهنگی و آداب و رسوم و هنجارهای

حاکم بر رفتار و مفاهیم خلوت تاثیر می‌گذارند. (Altman, 1975, 27-32) خلوت را می‌توان کنترل (نظارت انتخابی) بر رفتار جهت رابطه فرد با گروه یا دیگران تعریف کرد.



نمودار ۵- آسیب‌شناسی و لزوم مطالعه الگوی رفتاری برای حل پیامدهای کالبدی و غیر کالبدی روستا منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۲- فضای شخصی^{۱۹}: فضای شخصی به مثابه‌ی حبابی فرضی پیرامون شخص است که تعدی سایر افراد به آن باعث تنش و ناراحتی شخص می‌شود. (Hall, 1966, 13, Sommer, 1969) فضای شخصی مرزی نامرئی است که فرد میان خود و دیگران تنظیم می‌کند و فرد هر جا برود فضای شخصی‌اش را با خود می‌برد (kopec, 2012, 72).

می‌توان فضای شخصی را در دو نقش متغییر غیر وابسته و متغییر وابسته در نظر گرفت. با در نظر گرفتن فضای شخصی به عنوان متغییر غیر وابسته می‌توان نقش پیشبینی کننده‌ی آن را مطرح کرد به عنوان مثال: تاثیر فاصله‌ی شخصی افراد مختلف بر میزان و نتیجه‌ی دریافت آنها چیست؟ اما منظور از این تحقیق نقش فضای شخصی به عنوان متغییر وابسته است، در واقع با این فرض فضای شخصی نتیجه‌ی رفتاری، در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال: تاثیر خانه‌های نوسازی شده روستایی بر فاصله بین افراد چیست؟ یا این‌که: آیا افراد در خانه‌های قدیمی نسبت به افراد در خانه‌های نوسازی شده فضای شخصی متفاوتی دارند؟





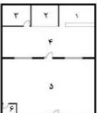
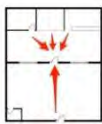
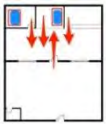

۴-۳- قلمرو^{۲۰}: مفهوم قلمرو ریشه در تحلیل‌های جامعه‌شناختی زندگی شهری دارد که آغاز آن دهه‌ی ۱۹۲۰ بود. (Park, Burgess, Mckenzie, 1925. Thrasher, 1927. Whyte, 1943. Zorbaugh, 1929)



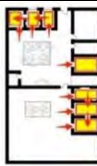
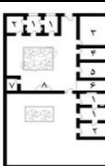
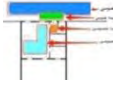



قلمرو محدوده‌ی نظارتی فرد یا گروه می‌باشد، که حس تملک واقعی یا بالقوه نیز در آن وجود دارد (kopec, 2012). 80. قلمرو مکانی است که به طریق شخصی علامت‌گذاری می‌شود و در برابر تجاوز از آن محافظت می‌شود. (Becker & Mayo, 1971' Sommer & Becker, 1969, Sommer, 1969) قلمرو بر خلاف فضای شخصی قابلیت جابه‌جایی ندارد و معمولاً منطقه‌ای است غیر متحرک و ثابت می‌باشد. اگر در زمان طراحی از مفهوم قلمرو و در دسترس بودن آن مطلع باشیم، میتوانیم تاثیر این آگاهی را در شکل، نور، مصالح و رنگ بازتاب دهیم و در نهایت طرحی منسجم و یکپارچه ارائه دهیم. (Hertzberger, 2009, 269)

۴-۴- ازدحام^۱: خلوت بیش از اندازه به احساس انزوای اجتماعی و خلوت کم به احساس ذهنی ازدحام منجر می‌شود (Altman 1975). قرارگاه‌ها یا مکان‌های رفتاری نباید بیش از اندازه شلوغ باشند؛ به این معنا که تعداد افراد باید با الگوی جاری رفتار تناسب داشته باشد و مردم باید فضای شخصی کافی و کنترل قلمروپایی دلخواه خود را داشته باشند (لنگ، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷). آنچه باعث ازدحام جمعیت در یک فرهنگ می‌گردد لزوماً باعث ازدحام در دیگری نمی‌شود (تی‌هال، ۱۳۹۰، ص ۶). روستائیان در شرایط بخصوصی، ازدحام و شلوغی را ترجیح می‌دهند. خوابیدن پهلوی هم برای یک جمعیت زیاد در یک فضای خانوادگی برای روستائیان نه تنها عذاب‌آور نیست بلکه لذت‌بخش نیز می‌باشد. مفهوم ازدحام در شهر و روستا کاملاً متفاوت است به عنوان مثال در شهر وجود پنج نفر در یک اتاق ممکن است ایجاد حس ازدحام نماید اما در روستا وجود ده نفر کنار هم و در یک اتاق ممکن است حس ازدحام را نداشته باشد. نشستن تنگاتنگ در اطراف یک سفره، پذیرش راحت حس ازدحام را، به گونه‌ای لذت‌بخش نشان می‌دهد.

۵- مقایسه تطبیقی اثر دهی الگوهای رفتار اجتماعی: در این قسمت پس از بررسی روستاهای زیادی چندین روستا در استان کرمان به عنوان نمونه انتخاب و خانه‌های قدیمی با خانه‌های نوسازی شده، با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

جدول ۳- مقایسه تطبیقی اثر دهی الگوهای رفتار اجتماعی در خانه‌های قدیمی و نوسازی در روستاهای منتخب کرمان

نام روستا	پلان	خلوت	فضای شخصی	قلمرو
روستای قناتستان، خانه قدیمی	 <p>۱. ایوان ۲. پذیرایی ۳. اتاق ۴. نشیمن ۵. انبار ۶. آشپزخانه قدیمی ۷. دستشویی ۸. حوض ۹. کبوترخانه ۱۰. باغچه</p>	 <p>تنوع فضایی، محرمیت فضا به واسطه‌ی کم کردن دید، جداره‌های فیزیکی و درها، نوع مبلمان در تأمین خلوت موثرند.</p>	 <p>با توجه به تعداد فضا چیدمان آنها و دسترسی‌ها مجزا رعایت فاصله-ی شخصی (۴۵ تا ۱۲۰ سانتی‌متر) امکانپذیر می‌باشد.</p>	 <p>مشخص بودن قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی و رعایت سلسله مراتب آن از ورودی تا انتهای خانه سبب حفظ قلمرو شده است.</p>
روستای قناتستان روستای نوسازی شده	 <p>۱. آشپزخانه ۲. انبار ۳. اتاق ۴. پذیرایی و نشیمن ۵. حیاط ۶. سرویس بهداشتی</p>	 <p>خلوت به دلیل نوع پلان و کم شدن تعداد فضاها، وجود درهایی که امکان دید به تمام فضا را فراهم می‌آورند به شدت کاسته شده است.</p>	 <p>فضای شخصی چندانی در خانه وجود ندارد و در مواقع مهمانی این محدودیت بیشتر است.</p>	 <p>قلمروها بسیار ضعیف و با مرزهای کم‌رنگ وجود دارند.</p>

 <p>مشخص بودن قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی</p> <p>مشخص بودن قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی و رعایت سلسله مراتب آن از ورودی تا انتهای خانه سبب حفظ قلمرو شده است.</p>	 <p>وجود عوامل کارکردی، فرهنگی و عوامل کالبدی در تامین خلوت مناسب، موثر بوده‌اند.</p>	 <p>تنوع فضایی، محرمیت فضا به واسطه‌ی کم کردن دید، جداره‌های فیزیکی و درها، نوع مبلمان در تامین خلوت موثرند.</p>	 <p>۶. کیوتراخانه ۷. سرویس بهداشتی ۸. تنور</p>	<p>روستای فرح آباد، خانه قدیمی</p> <p>۱. اتاق ۲. آشپزخانه ۳. آغل ۴. انبار ۵. اتاق ۶. قالی‌بافی</p>
 <p>تداخل قلمروهای عمومی و نیمه عمومی و کوچک بودن قلمرو، مفهوم قلمرو را ضعیف کرده است.</p>	 <p>تداخل رزق، ترسی‌های متعدد و امکان آمد و شد و وجود یک اتاق تامین خلوت را مشکل ساخته است.</p>	 <p>گرچه فضا وسیع تعریف شده است اما باز شدن درهای متعدد به این فضا و عدم رعایت محرمیت در فضا سبب عدم حفظ خلوت شده است.</p>	 <p>۱. سرویس بهداشتی ۲. آشپزخانه ۳. نشیمن و پذیرایی ۴. انبار ۵. اتاق ۶. حیاط</p>	<p>روستای فرح آباد، خانه نوسازی شده</p>

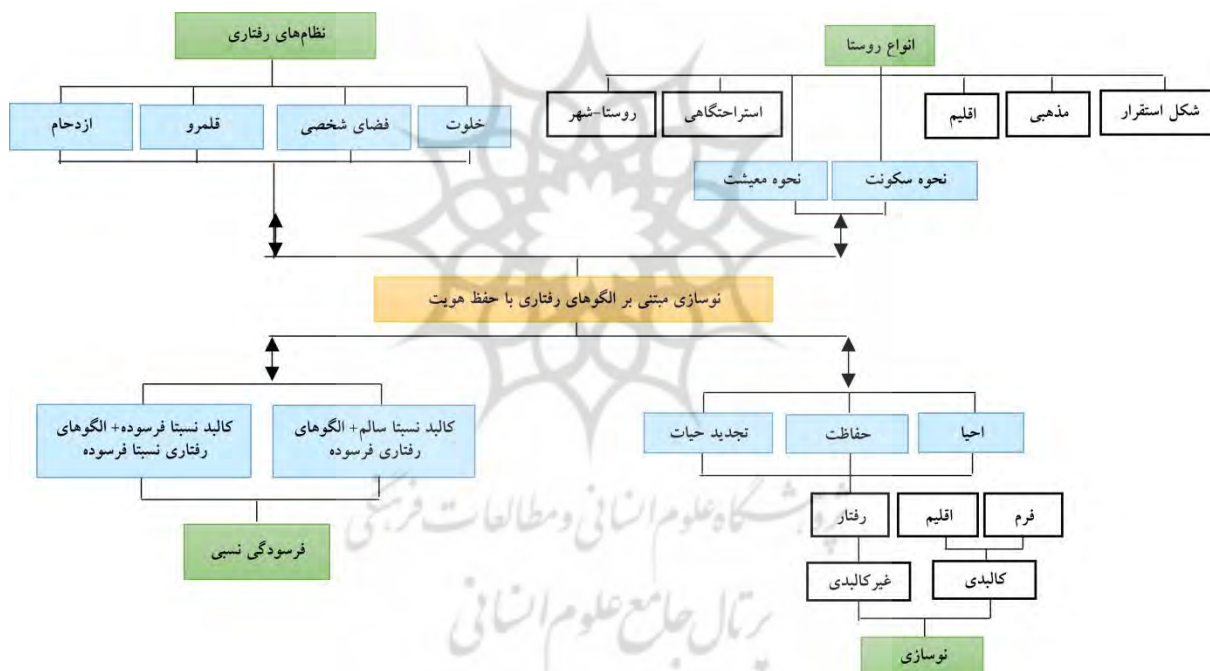
منبع: یافته‌های پژوهش

در خانه‌های قدیمی روستا تکرر و توالی فضایی با جداره‌های فیزیکی مناسب، رعایت سلسله مراتب فضایی، رعایت محرمیت فضایی، متناسب بودن درها و عمق دید، نوع مبلمان، مشخص بودن قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی عواملی موثر جهت حفظ مفاهیم الگوهای رفتاری می‌باشند. درحالیکه مشاهدات و تحلیل‌های ارائه شده نشان می‌دهد در خانه‌های نوسازی شده مفاهیم الگوی رفتاری رایج رعایت نشده است در این نوع از خانه‌ها عدم رعایت الگوی رفتاری، سبب عدم ارتباط عمیق فرد با خانه‌ی نوساز، شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل‌های صورت گرفته نشان از، عدم انطباق الگوهای رفتار بومی با کالبد بناهای نوسازی شده، دارد. خانه‌های قدیم روستا، دارای فضاهای مجزایی‌اند، که خلوت تک تک افراد را تامین می‌کند. مسکن توازنی میان در جمع بودن و تامین خلوت برقرار ساخته است. البته تنوع فضایی، محرمیت فضا به واسطه‌ی کم کردن دید، نوع جداره‌های فیزیکی و نحوه‌ی چیدمان درها، نوع مبلمان در تامین خلوت موثرند. سلسله مراتب پلان‌های قدیمی و عرصه‌بندی سلسله مراتب آن، در تامین خلوت موفق عمل کرده‌اند. در این خانه‌ها قلمروهای رفتاری جهت تامین خلوت و قلمروهای کالبدی بنا کاملاً بریکدیگر منطبق هستند. اما در خانه‌های نوسازی شده، خلوت به دلیل نوع پلان و کم شدن تعداد فضاها، وجود درهایی که امکان دید به تمام فضا را فراهم می‌آورند، به شدت کاسته شده است. در خانه‌های قدیمی فضاهای شخصی فضاهایی در عرصه‌ی خصوصی خانه‌اند که فرد فعالیت‌های خود را در این فضاها انجام می‌دهد و با توجه به تعداد فضا چیدمان آنها و دسترسی‌ها مجزا رعایت فاصله‌ی شخصی (۴۵ تا ۱۲۰ سانتی‌متر) امکانپذیر می‌باشد. در خانه‌های نوسازی شده فضای شخصی از حالت چند عملکردی خارج شده‌اند و فضاها به صورت تک عملکردی پیش می‌روند، اما در رفتار ساکنین همچنان نیاز به فضاهای چند عملکردی وجود دارد. در خانه‌های نوسازی شده، تنوع فضایی چندانی در خانه وجود ندارد و در مواقع مهمانی محدودیت‌ها بیشتر است. در واقع در خانه‌های نوسازی شده، فرهنگ فضای شخصی فرد روستایی با کالبد بنا هماهنگ و سازگار نیست.

در خانه‌های قدیمی مشخص بودن قلمروهای خصوصی، نیمه‌خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی و رعایت سلسله مراتب آن از ورودی تا انتهای خانه سبب حفظ ماهیت قلمروها شده است. قلمروهای نیمه عمومی و نیمه‌خصوصی ارتباط با همسایگان و مهمانان را آسانتر کرده است. قلمرو نیمه خصوصی در زمان تعامل با افراد دیگر قلمروهای نیمه خصوصی تعریف می‌شود و در سایر زمانها قلمرو خصوصی تعریف می‌شود اما در خانه نوسازی شده قلمروهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی و خصوصی تقریباً حذف شده است. قلمروها بسیار کم و همپوشانی قلمروهای کالبدی و رفتاری کاهش یافته است. ویژگی‌های کالبدی خانه نوساز نمی‌تواند مانند خانه‌های بومی امکان شکل‌گیری برخی از قلمروها را بوجود آورد. با ورود مهمان یا فرد غریبه یا باز بودن درها، محدودیت رفتاری افراد در محدوده‌ی قلمروها بیشتر می‌شود. الگوهای رفتاری که در خانه‌های نوسازی شده، توسط رفتار کاربران شکل می‌گیرد در بسیاری از موارد با محدوده الگوهایی که کالبد خانه‌ی نوسازی شده به فرد تحمیل می‌کند، متفاوت است و این موضوع موجب عدم شکل‌گیری الگوهای رفتار اجتماعی مناسب با فرهنگ فرد می‌شود. در نتیجه بایستی هر گونه مداخله در روستا در راستای الگوهای رفتاری و روابط بین افراد و اجزا باشد.



نمودار ۶- مدل مفهومی پیشنهادی شیوه نوسازی مبتنی بر اثر دهی الگوهای رفتار بومی در روستا

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل‌ها نشان می‌دهد در خانه‌های قدیمی روستا، قلمروهای کالبدی متنوع، مشخص و به تبع از آن قلمروهای رفتاری نیز دارای وضوح و تنوع‌اند، اما در خانه‌های نوسازی شده قلمروهای کالبدی و رفتاری به شدت کاهش یافته‌اند و علاوه بر آن قلمروها همپوشانی نادرستی دارند. عدم توجه به الگوهای رفتاری سبب می‌شود، خانه‌های نوسازی شده با ذهنیت شهری طراح و سازندگان، ساخته شوند و از ذهنیت فرد روستایی فاصله داشته باشند. و در این شرایط چالشهایی در مسکن نوسازی شده بوجود می‌آید که به شرح ذیل می‌باشد:

- فرد روستایی به ناچار یا با نگاه عدم اعتماد به نفس به فرهنگ خود و الگوی خانه‌ی قدیمی، مجبور به تغییر الگوهای رفتاری خود می‌شود و کم کم فرهنگ خور را تغییر داده و هویت بومی خود را از دست می‌دهد.

- فرد شروع به تغییراتی در واحدهای نوسازی شده می‌کند و گاه دامنه این تغییرات تنها در عرصه کالبد نیست و به عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز می‌رسد و موجب مشکلات فراوانی می‌شود یعنی فرد تعادل و هماهنگی میان الگوهای پیشین رفتاری و الگوهای تحمیل شده ناشی از نوسازی را نمی‌تواند برقرار کند.
 - فرد مجبور به ترک واحد می‌شود و نمی‌تواند خود را با الگوهای جدید رفتاری وفق دهد و دوباره به خانه‌ی قدیمی خود برمی‌گردد. این نوع از بازگشت می‌تواند، به طور کامل یا به صورت پاره وقت، (یعنی در زمان‌هایی از شبانه روز فرد به خانه‌ی قدیمی خود می‌رود) رخ دهد.
- بایستی دقت داشت که در هر یک از روستاهای استان کرمان، نحوه انطباق مسکن و الگوهای رفتاری تا حدی متفاوت است. هدف این پژوهش به دست آوردن مدل نظری برای مفهوم و محدوده‌های الگوهای رفتار اجتماعی در روستاها و به کارگیری این مدل در نوسازی است. البته بر این مبنا برای هر روستا پاسخ‌های متنوع و کاربردی وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها

- 1.Ferdinand Tonnies
- 2.Gemeinschaft

۳. تقسیم‌بندی‌های ریزتر این بخش مختص روستاهای استان کرمان می‌باشد.

۴. پدیده‌ی روستا-شهر به عنوان یک دسته‌بندی نوین با دو رویکرد رویارویی و روی‌آوری ارائه شده است:

۱- رویکرد رویارویی (confronting)

۲- رویکرد روی‌آوری (Tendency)

در رویکرد رویارویی شهر در جریان گسترش شهرنشینی و رشد طبیعی‌اش، با روستا رو در رو شده و آن را در بر گرفته و می‌بلعد. در این رویارویی روستای بلعیده شده پس از حل شدن تقریبی در شهر به عنوان روستا-شهر مطرح شده و شاخص‌های خاص خود را پیدا می‌کند. اما در رویکرد روی‌آوری برعکس، شهر به سمت روستا پیش می‌رود. به این ترتیب که شهر در رویکردی تازه به سنت، بر اساس الگوی تعریف شده ترکیبی، مختارانه روستا-شهرها را در درون خود به وجود می‌آورد و به دنبال پذیرش الگوهای روستایی است، از سوی دیگر هم روستا خود را تا حد الگوی خاص و تعریف شده روستا-شهر، ارتقا می‌دهد. (دارابی، سپاهی، ایرانی بهبهانی، ۱۳۹۴، ۱۲۴)

- 5.Erosion, Deterioration
- 6.Renovation
- 7.Revitalization
- 8.Adaptation
- 9.Conversion
- 10.Conservation
- 11.Renewal
- 12.Restoration
- 13.Repair
- 14.Pathology
- 15.Interactional Past
- 16.Interactional Potential
- 17.Behavior
- 18.Privacy
- 19.Personal Space
- 20.Territory
- 21.Crowding

منابع

- آسایش، حسین، فلاح تبار، نصراله (۱۳۹۲): شناخت‌شناسی روستا، جایگاه روستا در برنامه‌ریزی‌های کلان مسیر دیروز و نگاه امروز (از مفهوم تا راهکار)، ناشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۲
- حبیبی، سید محسن، مقصودی، ملیحه (۱۳۹۵): مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، تهران ۱۳۹۵
- دارابی، حسن، سپاهی، مریم، ایرانی بهبهانی، هما (۱۳۹۴): تحلیلی بر رویکردهای نوظهور روستا-شهر، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۶، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۱-۱۲۶.
- راهب، غزال، علی الحسابی، مهران (۱۳۸۸): آسیب‌شناسی توجه روستاییان به محیط طبیعی و حفظ محیط زیست در بر پایی مسکن (نمونه مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان)، نشریه علوم محیطی دوره ۶، شماره ۳۰، ۱۳۸۸، صص ۲۰۶-۱۹۳
- سرتیپی، پور محسن (۱۳۹۲): معماری خانه‌های بومی مردم پسند در روستاهای استان مرکزی، فصل نامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، سال اول، شماره سوم، تابستان ۹۲، صص ۲۵-۳۶
- Abdul Rahima, Zaiton, Hariza Hashimb, ahmad (2011): Adapting to Terrace Housing Living in Malaysia, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, 2012 Published by Elsevier B.V. Selection, 2011, 147-157
- Altman, Irwin (1975): The Environment and Social Behavior: Privacy, Personalspace, Territory, Crowding. Cole Publishing Company, 1975
- Scannell, Leila; Robert Gifford (2010). "Defining place attachment: a tripartite organizing framework". Journal of Environmental Psychology. 30: 1-10
- Barker, Roger Garlock (1968). "Ecological Psychology: Concepts and Methods for Studying the Environment of Human Behavior." Stanford, California, Stanford University Press, edition (June 1, 1968)
- Becker, Franklin. D, Mayo, C (1971): Delineating Personal Distance and Territoriality, Environmental and Behavior, 1971, 3, 375-381
- Britannica atlas. 1970. A. Cleveland, William (ed.), Chicago, Encyclopedia Britannica".
- Tönnies, F. 2001, Community and Civil Society, Jose Harris (ed.), Camb everyday life. New York: Doubleday, Anchor Books, 1959
- Fischer, Constance.T (1971): Toward the structure of privacy: implications for psychological assessment. In: Giorgi, A., Fischer, W.G., Von Eckartsberg, R. (Eds.), Duquesne Studies in Phenomenological Psychology. Duquesne University Press, Pittsburgh, PA.
- Gaffman, Erving (1959): The Presentation of self in Gaffman, Erving (1971): Relations in Public, New York: Basic Books, 1971
- Hall, Edward Twitchell (1966): The Hidden Dimension, New York: Doubleday, 1966
- Johnson, Carl Anderson (1974): Privacy as Personal control. Paper
- Hertzberger, herman, 2009. Lessons for students in architecture 3rd ed. translated by mirhashemi, bahman and khabaz beheshti, behrooz. tehran. Arad press, 269
- Kelvin, P (1973): Asocial psychological examination of privacy. Br. J. Soc. Clin. Psychol. 12 (3), 248-261.
- Kopec, dak (2012): Environmental Psychology For Designer, Fair child books, A division of Canade Nest Publications, 2012, 72, 80
- Lang, Jon T (1987): Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Science in Environmental Design, Van Nostrand Reinhold, 1987
- Margulis, Stephen.T (1977): Conceptions of privacy: current status and next steps. J. Soc. Issues 33 (3), 5-21.
- Mellors, Colin (1978): Governments and the Individual their Secrecy and his Privacy. Young, John B, New York.
- Park, Robert. E., Burgess, Ernest. W., Mckenzie, Roderick Duncan (1925): The City Chicago. Chicago: University of Chicago prees, 1925
- Presented at Environmental Design Research Association, Milwaukee, 83-100, 197

- Sommer, Robert (1966): man's Proximate Environment. Journal of Social Issues, 1966, 22, 59-70
- Sommer, Robert (1969): Personal Space, Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall, 1969
- Sommer, Robert, Becker, Franklin. D (1969): Territorial Defense and The Good Neighbor, Journal of Personality and Social Psychology, 1969, 11, 85-92
- Sommer, Robert, Dewar, Robert (1963): The Physical Environment of the Ward. In E. Friedson (Ed.), The Hospital in Modern Society. New York: The Free Press, 1963, 319-342
- Thrasher, Frederic Milton (1927): The Gang, A Study of 1,313 Gangs in Chicago, Chicago: University of Chicago prees, 1927
- Westin, Alen F. (1970): Privacy and Freedom. New York, Ballantine, 1970
- Whyte, William Foote (1943): Street Corner Society: The Social Structure Of An Italian Slum, Chicago: University of Chicago prees, 1943.

